



مواضع شفاف جمهوری اسلامی و سخنان حسن روحانی در اجلاس سازمان همکاری اسلامی در استانبول، دوباره تکرار شد اما از آنجا که بیشتر حکام عرب در نشست جده ادعاهایی واھی را علیه ایران مطرح کرده بودند، در غیاب ایران بندهای ضدایرانی مضحکی در بیانهٔ سازمان همکاری اسلامی وارد کرده و علیه ایران به تصویب رساندند. «حسن روحانی» و «محمدجواد ظریف» امسا در اختتامیه این اجلاس و در واکنش به بندهای ضدایرانی شرکت نکردند و بیانه به خاطر اجماع برخی کشورها در انتقاد از بندهای ضدایرانی قرائت نشد. نشست استانبول و بیانه پایانی که به عنوان سند اصلی اجلاس مصوب می‌شود، بیش از ۲۰۰ بند دارد و یک بیانه خاص برای فلسطین است. براساس آنچه معاون وزیر امور خارجه مطرح کرده است، این بیانه با فشار عربستان و با حاشیه‌هایی خاص تنظیم شد. عراقچی درباره محتوای بیانه گفت: «این بیانه ۲۰۰ بندی اینگونه نیست که در ظرف یکی دو روز اخیر تهیه شده باشد. حدود ۲ ماه پیش در جده که اجلاس کارشناسی برگزار شد، متن اولی سند را آماده کردند که در آن اجلاس دولت عربستان به هیأت جمهوری اسلامی ایران ویزا نداد و ما موفق به شرکت در آنجا نشدیم. یکسری اسناد را آنجا در غیاب کارشناسان ما تهیه کردند و در جلسه کارشناسی استانبول آوردند. این بیانه ۲۰۰ بندی البته عمدتاً به مسائل عمومی جهان است مد می‌پردازد. با تلاشی که دولت عربستان صورت داد ۴ بند ضدایرانی نیز در بیانه وارد شده که در غیاب بند در حقیقت در همان اجلاس جده تهیه و در غیاب ما وارد بیانه شد». پاراگراف دیگری علیه حزبالله تنظیم شد و در اجلاس اخیر به تصویب رسید.»

■ **زهر شاه همیار در اجلاس استانبول**

اگرچه سیاست‌های خصمانه رژیم سعودی نسبت به ایران، همواره و به انجای مختلف در فضای بین‌الملل ظهور و بروز داشته است، اما اقدام اخیر، از بی‌سابقه‌ترین تحکرات ضدایرانی در میان کشورهای اسلامی است که به صورت بیانه در سازمان همکاری اسلامی علیه ایران به تصویب رسیده است و اتهامات واھی را متوجه جمهوری اسلامی می‌کند. مقامات ایران اما اعلام کردند سازمان همکاری اسلامی مواضعی که علیه ایران و حزب‌الله گرفته بشمیسان می‌شود، عراقچی پیش از تصویب این بیانه گفته بود: «وقعا فضای عمومی سازمان همکاری اسلامی در شرایط فعلی نشانسگر همکاری بین کشورهای اسلامی و وحدت بین جهان اسلام نیست. متأسفانه این سازمان چه الان و چه در گذشته همواره از این ضعف ساختاری و تشکیلاتی رنج برده و هیچ‌گاه نتوانسته کشورهای عضو خود را به یک وحدت ساختاری برساند و هیچ‌گاه نتوانسته نسبت به مسائل داخلی جهان اسلام موضعی بی‌طرفانه بگیرد و در جهت حل و فصل واقعی آنها تلاش کند. نمونه آن را در زمان جنگ ایران و عراق شاهد بودیم که با تلاش معدودی از کشورهای عضو، سازمان همواره مواضع یکجانبه‌ای را در حمایت از عراق داشت. در جنگ عراق و کویت برعکس آن شد. در شرایط فعلی هم تقریباً به همان شکل است. به حافظام که رجوع می‌کنم ۳–۲ مورد بیشتر نیست که این سازمان آن هم در مقابله با خطرات و تهدیدات خارجی توانسته باشد موضع متحدی را اتخاذ کند و آن هم عمدتاً به تلاش جمهوری اسلامی بوده که نمونه آن موضوع بوسنی و بحث مسلمان‌رشدی است که سازمان مواضع خوبی داشت. ولی واقعا زمانی که به مسائل داخلی جهان اسلام می‌رسد، به خاطر تسلط چند کشوری که با استفاده از منابع مادی، تهدیدات و تضمیع‌هایی انجام می‌دهند، سعی می‌کنند منافع خودشان را به اسم سازمان و در قالب سازمان به پیش ببرند و این متأسفانه جوفعلی سازمان همکاری اسلامی هم هست.»

■ **خرید سران و حکام برخی کشورهای اسلامی**
عراقچی با طرح منابع مادی و تضمین برخی سران

مروری بر دشمنی‌های رژیم سعودی و عبرتی برای دیپلماسی آینده

از تطمیع حکام تا تجهیز تروریست‌ها

- هادی قائم‌مقامی**

این کشور در مشهد و فراگیر شدن کمپین «احترام به پاسپورت ایرانی» بسیاری از مردم به صورت شخصی فیش حج خود را در مسیر عام‌المنفعه خرج کردند. در این مساله نیز انفعال دستگاه دیپلماسی قابل تامل بود تا جایی که تلاش معاون وزیر امور خارجه برای رفع اتهام از دولت سعودی در ماجرای تجاوز به ۲ نوجوان ایرانی با بیان برخی نقل‌قول‌ها از مقامات سعودی، مورد انتقاد نمایندگان مجلس نیز قرار گرفت. مردم اما طی ۱۰ روز متوالی با واکنش‌هایی جدی خشم خود را نشان داده و خواستار اخراج سفیر سعودی شدند.

آیت‌الله‌المظمی مکرّم‌شیرازی با اشاره به اینکه از مسؤولان دولتمان نیز می‌پرسم آیا نیاز است به عمره مستحب برویم، گفت: «با لازم است هر توهینی را بشنویم تا به یک امر مستحب عمل کنیم؛ مایل نبودم این حادثه رسانه‌ای شود اما حال که رسانه‌ای شده است باید درباره آن صحبت کنم و سوالی که از مسؤولان دارم این است: آیا عمره که واجب نیست را باید برویم و زیر بار هر خفتی برویم؟»

آیت‌الله‌المظمی نوری‌همدانی یکی دیگر از مراجع تقلید نیز در آن آیم گفته بود: «تجاوز به ۲ نوجوان در عربستان نباید در سکوت باشد و نباید به سادگی از این مساله گذشت و از همین رو مسؤولان باید به این امر توجه نشان دهند.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در نامه‌هایی به رئیس‌جمهور از موضع ضعیف دولت انتقاد کردند. در بخشی از یکی از نامه‌های تعداد زیادی از نمایندگان آمده بود: «در هفته‌های گذشته ۲ نفر از نوجوانان رازر ایرانی مورد آزار و اذیت پلیس فرودگاه جده قرار گرفته‌اند که موجب خنده‌شاد شدن احساسات و غیرت ملت ایران شد. از شما به عنوان شخص رئیس‌جمهور و رئیس شورایعالی امنیت ملی خواستاریم ضمن اعتراض به دولت عربستان به خاطر این اقدام، نسبت به مجازات علمان آن اقدام کرده و موضوع را مورد پیگیری جدی قرار دهید.»

دانشجویان نیز مواضع مطالبه‌گرانه خود از دولت ایران، موضوع را رها نکنند.»

در این میان مواضع رسانه‌ها و شخصیت‌های اصلاح‌طلب قابل تامل بود؛ به نحوی که یکی از اصلاح‌طلبان در روزنامه «آفتاب یزد» نوشت: «روابط ایران و عربستان در وهله کنونی تنش‌ت حساس است پس شایسته است از هر عامل تنش‌زای جدید فاصله گرفته و سعی شود تنش‌ها تشدید نشود… شاید به صلاح کشور نباشد که در شرایط جدید یک تقابل و تقاصم جدید به روابط ایران و عربستان اضافه شود

به همین دلیل در بحث حج نباید وارد موردی شویم که در آن تنش وجود دارد و اگر موضوع تحریم حج به عنوان یک راه مقابله با عربستان تصور شود، تصور درستی نیست چرا که پول مصرفی مردم ایران در عربستان، در مقابل سایر درآمدهای این کشور بسیار ناچیز است بنابراین ضربه‌ای برای اقتصاد عربستان نخواهد بود.»

در ادامه اما، خشم بی‌پایان مردم باعث شد سفر عمره از سوی دولت به طور رسمی متوقف شود.

■ **فاجعه‌نا**

اما یکی از تلخ‌ترین وقایع فی‌مابین روابط ایران و عربستان، فاجعه قربانی شدن ۵۰۰ حاجی ایرانی در منا بود. بی‌کفایتی و به روایت برخی، رفتار عامدانه سعودی‌ها در کشتار حجّاج ایرانی با واکنش‌های فراوانی در داخل همراه بود که از دستگاه دیپلماسی و حسن روحانی که آن روزها در سفر نیویورک بود، انتقادمی کردند.

حادثهٔ منا که یکی از تلخ‌ترین وقایع سالیان اخیر برای مردم ایران بود، نشان داد دولت عملا در قبال بی‌حرمتی به پاسپورت ایرانی هیچ تلاشی نکرده است. پس از فاجعه غمبار منا و در حالی که بسیاری از ایرانیان، سوگوگار این واقعه بودند دولت نتوانست در صحنه دیپلماسی رفتار قابل قبولی از خود نشان دهد. در ادامه نیز موضع قاطع رهبر حکیم انقلاب بود که موجب شد سعودی‌ها مجبور به عذرخواهی و بازگرداندن سریع قربانیان ایرانی این فاجعه به وطن شوند. در حالی که افکار عمومی، مردم و خانواده‌های جان‌باختگان انتظار داشتند حسن روحانی در نخستین ساعات شنیدن خبر فاجعه منا، از نیویورک به تهران بازگردد، وی این کار را نکرد و

هزینه‌زای عده‌ای امانند ورود به سفارت سعودی،آ، دید و بازدیدهایش در نیویورک را تمام و کمال انجام داد. دیپلماسی ضعیف دولت مدعی تعامل گرایي کار را

به جایی رساند که محمدجواد ظریف در سازمان ملل پیش پای امیر کویت به حالتی منفعلانه بنشیند و از او بخواهد برای دیدار با وزیر خارجه سعودی که به ایران هتاکي‌های گسترده‌ای داشته است پادرمیانی کند. دیپلماسی ضعیف وزارت امور خارجه دولت حسن روحانی با انتقاد شخصیت‌های کشوری و لشکری و مراجع نیز همراه بود. تنها در یکی از واکنش‌ها به این دیپلماسی ضعیف، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی از دولت گله کرد و گفت: «به نظر من اینجا باید گله درست شود. حسابی از دولت کرد. برخوردی که متأسفانه دولت ما دارد با این جریان می‌کند بسیار برخورد نامناسبی است. کشوری که ۵۰۰ نفر از افرادی اینجوری تلف شدند و با این جنایت از بین رفتند خیلی بیش از این نیاز دارد به برخورد با این قضیه. نباید رها شود این قضیه. نباید در حد این بحث‌های معمولی انجام گیرد. این یک جنایت است. یک دشمنی است؛ یک زورک تعدی و تجاوز است و غیر از آن هتاکي‌ها و بی‌اعتنایی‌ها است. معنا ندارد ۵۰۰ نفر از حجّاج کشته شوند و از بین بروند بر خودرها در حد مسائل دیپلماتیک معمولی باشند. درد بزرگی است واقعا. باید تشخیص دهیم تا کی می‌خواهیم در این مسائل سیاسی خودمان را گول بزیم.»

همه اینها در حالی بود که وزیر خارجه گستاخ سعودی مدام به ایرانیان توهین می‌کرد. در همان ایام عادل الجبیر در واشنگتن در سخنانی در نشست خبری با جان کری ضمن ادعای مداخله ایران در تحولات منطقه گفته بود: ایران نقش منفی در یمن داشته و از نظر مالی، تسلیحاتی و ایدئولوژیک از حوثی‌ها حمایت کرده است. ایران برای ارسال تسلیحات به یمن تلاش کرد، اما ما نتوانستیم مانع فرود هواپیمای ایرانی در یمن شویم. ایران همچنین کشتی‌های حامل سلاح را برای حوثی‌ها ارسال کرده بود. ما بنشدت نگران اقدامات ایران در منطقه هستیم. ما در کمپ‌دیوید با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس درباره اقدامات ایران در نقض قطعنامه‌های شورای امنیت و تعدییر می‌گفت که باید در این باره اتخاذ شود، گفت‌وگو خواهیم کرد.

در این میان ادعای قابل تامل رسانه‌های دولتی درباره نیمه‌کاره گذاشتن سفر نیویورک از سوی روحانی قابل تامل بود. اما آیا واقعا روحانی سفر را نیمه‌کاره رها کرده بود، البته قبل از سفر روحانی، خبرگزاری رسمی دولت (ایرنا) از ۵ آورخه بودن سفر رئیس‌جمهور خبر داده بود و با این اوصاف، به نظر می‌رسد عملا بعد از سخنرانی آقای روحانی در سازمان ملل، بازگشت وی از آمریکا مصادف با همان روز پنجم سفرش خواهد شد و این به معنای آن است که عملا بازگشت رئیس‌جمهور براساس برنامه قبلی بوده و هیچ ارتباطی با حادثهٔ منا نداشت.

عنوان «رئیس‌جمهور بازمی‌گردد… هورا!» به این ادعا کنایه زده و نوشته بود: «خبرگزاری‌های دولتی اعلام کردند آقای رئیس‌جمهور بعد از نطق امشب، سفر را نیمه‌تمام گذاشتها و برای شرکت در تشییع پیکر شهدای فاجعه منا، به ایران بازمی‌گردد. هووووورا به این تصمیم ملی… بدون تردید بخشی از مقفودان، جزو شهدای این حادثه هستند و باید مراقب بود تا کارگزاران سعودی، آنان را در گورهای دسته‌جمعی دفن نکنند.» در حالی که افکار عمومی بشدت خواستار قاطع‌ترین برخورد رئیس‌جمهور محترم، در مهم‌ترین تریبون جهانی بود، نمی‌تایم چیر چنین اتفاقی نمی‌افتد. از آقای روحانی بعید بود که با توجه به تجربه دیپلماتیک‌شان، ندانند که ایعاد حادثه در حدی است که باید در همان ساعات اولیه نیویورک را ترک می‌کردند تا مجبور به لبخندهای مکرر سیاسی در دیدارهای نه چندان مهم نباشند.

حادثه غمبار منا اتفاق افتاد و امروز نیز خبری از پیگیری حقوقی و شکایت رسمی دولت ایران در ماجرای کشتار حاجیان ایرانی اطلاع‌رسانی نشده است. اعدام روحانی برجسته شیعی آیت‌الله نمر باقرالنمر، یکی دیگر از رخ داده‌های تلخی بود که با واکنش و خشم مردم در داخل همراه شد؛ خمشی که در همه این یک سال به هیچ وجه از سوی دولت نمایندگی نشده بود. این خشم باعث تسخیر غیرقانونی سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این رژیم در مشهد شد. در این میان باز هم ضعف دستگاه دیپلماسی بود که نتوانسته بود انتظارات مردم را برآورد کند تا جایی که ایسن اتفاق افتاد.

خشم فروخورده مردم که پس از تعرض به ۲ نوجوان ایرانی در فرودگاه جده و قربانی شدن ۵۰۰ حاجی ایرانی در فاجعه منا تا توهین وزیر خارجه گستاخ این کشور پاسخ مناسبی از دولت نگرفته بود، طبیعی به نظر می‌رسد که فارغ از واکنش‌های غیرقانونی و هزینه‌زای عده‌ای امانند ورود به سفارت سعودی،آ، نرفت از آل سعود را بیشتر از گذشته کند.

اقتصاد مقاومتی چرا و چگونه؟

ناصر مؤمنیان: شاید بارها کلمه «اقتصاد مقاومتی» را از زبان امام‌خامنه‌ای و مسؤولان مختلف شنیده‌ایم. روشنی و اهمیت مساله اقتصادی کشور بر هیچ‌کس پوشیده نیست، سال ۱۳۹۰ شعار سال از سوی رهبر معظم انقلاب با توجه به راهبردهای ایشان نسبت به آینده انقلاب اسلامی، «جهاد اقتصادی» نام گرفت و در همه‌م تحریم‌ها و اوج تهدیدات دشمنان جمهوری اسلامی، معظم‌له نامگذاری سال به نام «جهاد اقتصادی» را اساسی‌ترین مساله روز کشور دانستند. در سال ۹۱ رهبر انقلاب پیش از نامگذاری سال به اهمیت تولید داخلی و رونق بخشیدن به آن و حمایت از کار و سرمایه‌های ملی و ایرانی اشاره کردند و شعار سال را «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام نهادند. نامگذاری سال ۹۲ به‌عنوان «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» جدای از اهمیت انتخابات آن سال، نشان‌دهنده اهمیت اقتصاد کشور است که باید مورد توجه ویژه مسؤولان قرار گیرد. سال ۹۳ به شعار «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» مزین شد. مدیریتی همگانی و حضور آحاد مردم در صحنه در جهت تحقق اقتصاد و نامگذاری سال ۹۴ به عنوان «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نشان می‌دهد مردم و مسؤولان در جهت رونق بخشیدن و توسعه اقتصادی کشور باید همدل و هم‌زبان شوند. اما مساله مهم‌تر و راهبردی‌تر نامگذاری شعار سال ۹۵ «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» است.

یعنی اقتصاد مقاومتی در شعار خلاصه نشود و بستوان با برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت قوی در سطح کلان آن را محقق کردا اقتصاد مقاومتی یا همان مقاومت اقتصادی یعنی افزایش نیروی اقتصادی کشور در برابر همه‌ها و یاه‌گویی‌های دشمنان نظام جمهوری اسلامی!
تحقق اقتصاد مقاومتی به نحوی می‌تواند به جامعه کمک کند که استحکام کافی را در برابر سختی‌ها و مشکلات کشور داشته باشیم. اقتصاد مقاومتی یا همان مقاومت اقتصادی یعنی حل مشکل آب و نان خوردن مان را به دیگران وابسته ندامیم یا به نحوی دیگر اقتصاد مقاومتی یعنی نوجوان و جوان به بلوغ اقتصادی برسد و سرمایه‌های خود را وابسته به پدر نانداندا البته که هیچ‌گاه آمریکا و سایر ابرقدرت‌های جهان حکم پدر را برای‌مان ندانسته و نخواهند داشت. تنها راه‌حل تحقق شعار اقتصاد مقاومتی مشورت و همدلی و هم‌زبانی است، اختصاص نام و شعار هر سال تنها مختص آن سال نبوده و نیست و موفقیت در هر سال در گرو عمل کردن به شعار آن سال در کنار شعار سالیان گذشته است. هدف اسام‌خامنه‌ای از نامگذاری شعار هر سال ایجاد گفتمانی میان دولت و ملت و ریل‌گذاری اهداف کلان کشور است. در جهت عدم تحقق اقتصاد مقاومتی چندین مانع وجود دارد که باید برطرف شود و در این یادداشت نیز به برخی از آنها اشاره کوتاهی خواهیم داشت.

۱– واردات بی‌رویه: مسؤولان باید توجه داشته باشند با ورود کالاهای خارجی به کشور، اقتصاد داخلی صدمه بینند و کارخانه‌ها بتوانند به روند تولید ادامه دهند.

۲– جلوگیری از صادرات: ضمن تاکید بر لزوم تقویم روابط بین‌المللی باید توجه داشت رفت‌وآمدها به کشور ایران را رفت‌وآمد هیأت محترم دولت به کشورهای دیگر تنها منشأ خیر و برکات برای آن کشورها و خرید محصولات آنان و واردات کالاهای آنان به کشور نباشد.

۳– بی‌توجهی به توان و ظرفیت داخلی: توجه به بازوای جوانان ایرانی و تکلیف کردن و اعتماد به آنان می‌تواند موفقیت‌های چشمگیری را همچون عرصه ساخت موشک و ماهواره‌ها رقم بزند.

۴– عدم فرهنگ کار و تلاش: متأسفانه با خوشبینانه فرآگیری مدرک تحصیلی منجر به افزایش روحیه اقتصامد به نفس و افزایش مد و کلاس شده است، در سال‌های گذشته به یاد دارم که یکی از مسؤولان محترم استانی در یکی از جلسات گفت: اگر ما برای هر کسی که مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس دارد یک میز بسازیم، چوب کم می‌آوریم.

و این نکته را باید یادآور شوم که تلاش باید جایگزین فرهنگ آذاری زیستن و دنبال پست و صندلی بودن شود.

۵– نداشتن برنامه‌ریزی صحیح در راه اقتصاد کشور و استفاده بی‌رویه از منابع؛ ریخت‌پوش‌های فراوان در جلسات متعدد و هزینه‌های کلان و سنگین رفت‌وآمد برخی مسؤولان در سفرهای تفریحی و …

۶– غریبه دانستن نیروهای داخلی در مشورت و هم‌اندیشی: برخی اوقات منتقدان نکات خوبی را مطرح می‌کنند که از چشمان مسؤولان پنهان می‌ماند، از آنجا که ما همه انتقادات را در جهت تخریب جایگاه خود می‌دانیم، فضای نقد و بررسی کارشناسی را از بین می‌بریم.

امید است با مستورت و همدلی و هم‌زبانی و جهاد در راه اقتصاد مقاومتی همراه با اقدام و عمل در راه توسعه و رونق بخشیدن به این شعاربکوشیم.